

کارخانه تراکتورسازی تبریز:

اعمال ننگین عمال رژیم سرمایه داری افشاء میشود

فرهنگی وابسته به حزب رنوی جمهوری اسلامی عوامل اصلی برقراری اختناق در کارخانه بوده اند.



بعد از تصویب مجلس در اسفند ۵۹، تعدادی از کارخانجات بعد از هید معادل ۲۰ درصد اضافه تولید را بطور مساوی میان کارگران و کارمندان تقسیم کردند. کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز نیز از مدیریت کارخانه خواهان تقسیم ۲۰ درصد اضافه تولید شدند ولی جوابی دریافت نکردند. تا اینکه بالاخره روز سه شنبه ۸ اردیبهشت کارگران دست از کار کشیده و خواهان دریافت حق خود (۲۰ درصد اضافه تولید) میشوند. بعد از مدتی گفتگو و مذاکرات متفاوت بین مدیران فستهای مختلف با مدیرعامل و غیره، به کارگران گفته میشود که پنج شنبه پاسخ داده خواهد شد.

کارگران به سر کار باز نمیکردند و پنج شنبه دوباره تجمع کرده و خواستار حقوق مسلم خود میشوند. بعد از مدتی نفیسی وارد سالن شده و تهدید به اخراج کارگران میکند. ولی سپس در مقابل خشم کارگران عقب نشینی کرده و میگوید اجازه بدهید بروم ترازنامه را که از وزارت کار آمده است برایشان بیاورم تا ببینید، او سپس سالن را ترک کرده و دیگر باز نمیکردند.

در این میان دیسپاچرهای فستهای مربوطه که تماما عضو کانون فرهنگی هستند بطور مطلق اسامی کارگران را یادداشت میکنند. روز یکشنبه که کارگران وارد کارخانه میشوند، اسامی ۱۰ نفر را در تابلوی اعلانات می بینند که با امضای اکبرپور رئیس بسیج استان از کار معلق شده اند. ولی بعد از آن اعلامیه ای توسط مدیرعامل میشود که در آن اخراج کارگران را به دیسپاچرها نسبت میدهد.

این اطلاعیه سبب گفتگو در میان کارگران میشود، و چون کم کم جو کارخانه رو به تشنج میوفت، مدیر کارخانه جلسهای با شرکت دیسپاچرها و نفیسی و اسکویی و دیگران تشکیل میدهد تا معلوم شود چه کسی کارگران را اخراج کرده است. در این جلسه پس از اینکه تمام حاضرین از خود رفع مسئولیت میکنند، مدیرعامل با عصیانیت میبوسد پس چه

گزارش زیر در مورد کارخانه تراکتور سازی تبریز اخیراً به دست ما رسیده است. گرچه از نظر تاریخ وقایع مورد ذکر مربوط به اردیبهشت است، لیکن نظر به اهمیت مسئله و ضمناً از این نقطه نظر که سابقاً مطرح شده، نمونه ای بسیار جالب و زنده ای از برخورد عوامل رژیم سرمایه داری را با کارگران و نحوه ی کلاهبرداری از آنها را بوضوح به نمایش میگذارد. اقدام به دزدی آن میکنیم.



ابتدا لازمست مختصر توضیحی دربارهای اسما عییل مسعودی اسکویی و نفیسی داده شود تا ما هیت عوامل کثیف رژیم روشنتر شود. اسما عییل اسکویی پسر بیابادار اما مزاده ی اسکو است که از شاه دوستان معروف آنجاست. او مسرورف به کور شیخ احمدین اوغلی (پسر شیخ احمدگور) است که کتابی هم در تعریف و تمجید شاه دارد که بعطت بیسواد ی نوشتن آنرا پسرش انجسام داده است. اسما عییل اسکویی ابتدا بعنوان کارآموز در کارخانه ی ماشین سازی تبریز استخدام و مشغول کار شد. بعد از اتمام دوره ی کاآموزی وی در امتحان پایان دوره مردود شد. وی مدتی بعنوان کارگر ساده در ریخته گری کار میکند و بعطت سختی کار بسیار پارتی بازی قسمتش را عوض کرده و در انبار بعنوان کمک انباردار کار میکند. پس از شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق، شخصی بنام اکبرپور از طرف بسیج استان به کارخانه معرفی میشود تا در کارهای مربوط به ساخت وسایل بدگی ارتش نظارت کند. اسکویی در این میان از فرصت استفاده کرده و خود را مکتبی و از طرفداران پروپا قرص دولت معرفی میکند. اکبرپور هم به او ارتقاء درجه داده و وی را بعنوان رئیس حفاظت تراکتور سازی به مدیریت کارخانه معرفی میکند. وی شخصی است که بکرات کارگران مبارز و حق طلب را با اسلحه تهدید کرده است.

نفیسی رئیس پاکسازی کارخانه تراکتور سازی بود. وی قبلاً از کارکنان شرکت کمپدور وابسته به ماشین سازی بود که بعطت مکتبی بودن، توسط اکبرپور به ریاست پاکسازی گمارده شد. از اقدامات وی اخراج ۴۱ کارگر مبارز بود که تا حدی ناموفق ماند چون تعدادی از آنها با حمایت کارگران پسر کار بازگشتند. این دو عنصر کثیف همراه با کانسون

کسی غیر از شما اینکار را کرده است؟
نفیسی جواب میدهد من گفتم و اکبرپور امضا کرده.

سه روز بعد کارگران به کارخانه باز میگرددند و مدیرعامل نیز شفاها عذر نفیسی را میخواهد. ولی نفیسی نزد جلال تیسریزی یعنی موسوی تبریزی رئیس بیدادگاه های تبریز میرود و از او نامه ای میگیرد که در آن از کارهای نفیسی تقدیر شده و او را تأیید کرده است. باین ترتیب نفیسی مجددا مشغول کار میشود.

در این میان از طرفی کارگران اعتراض میکنند و از جانب دیگر نگهبانان کارخانه از رفتار اسکویی به مدیرعامل شکایت میکنند و وی طی دو اطلاعیه جداگانه اسکویی و نفیسی را طبق اساسنامه ایستادگی اخراج میکند و باین ترتیب مبارزه کارگران به حداقل نتیجه ای که میرسد اینست که آنها را از شر نفیسی و اسکویی خلاص میکند.

ولی عوامل رژیم سرمایه داری یعنی قانون فرهنگی و مدیرعامل با دروغ پسرداری مسأله ای اضافه تولید را فعلا به کنسرسیوم میگذارند. از طرفی قانون فرهنگی، تولید کارخانه را ۸ درصد برآورد کرده و با توسل به قانون کار مصوب رژیم آریا مهری ادعا میکند که ۲۰ درصد اضافه تولید تعلیق نمیکرد زیرا تولید به حد تعصاب نرسیده است. از طرف دیگر مدیر عامل ادعا میکند که تولید صفر است و لذا هیچگونه حق تولید تعلیق نمیکرد.

دروغ و دست بردن در دفاع از جملسه شیوه ها نیست که عوامل رژیم سرمایه داری همواره برای زیر پا نهادن حقوق کارگران به کار میگیرند. مثلا در بولتن ماهانه ای شماری یک کارخانه تراکتورسازی، صفحه ۲، ستون اول، زیر عنوان "گزارش گردش نقدینگی کارخانه تراکتور سازی" چنین بیان شده است:

"کارخانه در مدت ۸ ماه از شهریور سال ۱۳۵۹ توانسته است مبلغ ۳/۹۸۶/۸۷۷/۸۶۵ ریال از بدهی خود به بانکها و شرکتهای ذینفع را پرداخت نماید."

بنابراین، دقیقا اولین سئوالی که برای تمام کارگران مطرح است اینست که در صورت پذیرش این ادعا که کارخانه تولید نداشته، پس چگونه موفق به پرداخت مبلغ فوق الذکر شده است؟ آیا توجه به اینکه معمولا بخشی، و نه همه درآمد به پرداخت بدهی اختصاص داده میشود.

گذشته از این، در "ضمیمه بولتن خبری شماره ۱ یک کارخانه تراکتورسازی ایستادگی تبریز، پیشرفت پروژه ها در ششماهه دوم سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰" در صفحه ۴ قسمت ج - تولیدات ادوات کشاورزی به "تصلب لودرسوئی

مدل ۴۰۰۰ روی تراکتور (۶ دستگاه)، مونتساز تبریز (۱۶۶ دستگاه)، ساخت شاسی جهت موتورهای زمینی رومانی (۱۴۹۳ دستگاه)، مونتساز موتور آبرومانی (۱۴۹۳ دستگاه)، ساخت شاسی موتور رومانی (۳۱۶ دستگاه)، مونتساز موتور ژنرا ترا انگلیسی (۲۰ دستگاه) اشاره شده است. لیکن این قسمتها کلا از ترازنامه ای که در اختیار کارگران قرار گرفته است حذف شده اند.

علاوه بر تمام اینها، دو فقره تولید نیز در کارخانه انجام گرفته که نه در ترازنامه به چشم میخورد و نه در "ضمیمه بولتن خبری" و این دو فقره عبارتند از:

- ۱- موتورهای پیکنژ تعداد نامعلوم قیمت نامعلوم
- ۲- تولید تراکتورب- ۵ روزانه ۲ عدد هر عدد ۲۵۰ هزار تومان

روشن است که این دستکاریها و تقلبات فقط به این خاطر انجام گرفته است تا اعمال رژیم سرمایه داری بتوانند حق کارگران را براحق با ادعای تولید صفر و غیره همچون همیشه با اعمال کنند. از رژیم که هر روز کارگران اعتراضی را به گلوله میهند، رژیم که دادستان فاشیست و خدانقلابی آن لاجوردی اعتراف میکند که کارگزارانی را که در کارخانه ها از مرگ بهشتی شادی کرده بودند دستگیر کرده است، آیا جز این انتظار میسر بود؟ مسلما خیر. مدیر عاملها، "قانون فرهنگی" ها (که در کارخانه های دیگر عموما انجمن اسلامی و شورای اسلامی نام دارند) و امثال نفیسی و اسکویی در تمام کارخانه ها وظیفه سرکوب کارگران و دفاع از منافع سرمایه داران و دولت آنها، یعنی دولت جمهوری اسلامی را برعهده دارند. تنها راه کسب حقوق کارگران، مبارزه قاطعانه علیه این رژیم و عوامل آن در کارخانه ها یعنی انجمن اسلامی و توده ایها و سایر کسانی است که قصد حفظ این رژیم و کمک به سرکوب کارگران و به گجراه کشیدن آنها را دارند.



پیش بسوی تدارك انقلاب سوسیالیستی